



چهار بند گزارش

ایرج افشار

بند یکم

گفتار علی صفری آق‌قلعه با عنوان «کهن‌ترین نوشته شناخته‌شده فارسی در آموزش شطرنج» مرا به یاد رساله «گلزار شطرنج» انداخت که نسخه‌اش در کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم است و آن را استخراج کرده و با مقدمه‌ای برای چاپ در «میراث ماندگار» بودم و در انتظار چند ساله مانده‌ام. نسخه منظوم است و در ۷۸۵ به نام سلطان احمد جلایر سروده شده و شاعر تخلصش حیران بوده است.

جز این مناسب است گفته شود که «گزارش شطرنج» متنی به زبان پهلوی است که پرویز غیبی در آلمان آن را ترجمه کرده و با تعلیقات در همان سرزمین به چاپ رسانید و چون اجازه فرمود عیناً در پژوهشهای ایران‌شناسی (جلد هفدهم) به چاپ رسید.

بند دوم

از حدود ایام حکومت آق‌قویونلو که ارتباط با فرنگ (مخصوصاً ونیز) آغاز شد و امتعه اروپا به ایران رسید طبعاً می‌باید عینک برای خواندن وارد شده باشد. لفظ عینک و تعبیرات دیگرش مانند شیشه فرنگ و امثال آن در عصر صفوی وسیله مضمون‌سازی شاعران بود و غالب آنها ابیاتی دارند که عینک در آنها دیده می‌شود

و در لغت‌نامه دهخدا تعدادی از آنها نقل شده است: از متون نثری صفوی در گلستان هنر دو بار ذکر عینک دیده می‌شود (ص ۲۱، ۱۹).

تصور می‌کنم نخستین جا که قدمت لفظ «عینک چشمی» مشخص می‌شود دیوان حسابی است (طبع شادروان حسین محبوبی اردکانی، تهران، ۱۳۵۴ش) به این صورت:
دو چشم دیگرم ار شیشه فرنگ افزود
به شیشه‌بازی^۱ آخر به شهر عشوه گرم

(ص ۱۲۱)

زمان حیات حسابی شاعر بنابر تحقیق مندرج در فهرست کتابخانه ملی پاریس (به شماره ۷۹۰) به اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم مشخص شده است. درین دیوان قصیده‌ای در مدح شاه‌طهماسب دیده می‌شود. نسخه مورخ ۹۳۹ یا ۹۷۹ است.

بجز شعر در مجموعه‌ها نامه‌های متعدد هست که کسی از کسی طلب عینک کرده است. البته آن نوشته‌ها از قرن دهم و یازدهم هجری است (بطور مثال، فهرست کتابخانه مرکزی، جلد ۸: ۶۱۳ و نامه میرزا نصیر در طلب عینک از ملا شکوهی جلد ۹: ۱۴۱۴).

عینک در دوره صفوی تنها برای کتاب‌خوانی و نزدیک‌بینی نبود زیرا واعظ قزوینی درین بیت به عینک دورنما اشارت کرده است:

عینک دورنما بایدش از قطع نظر

در نظر هر که تماشای جهانی دارد

(ص ۱۵۳)

بند سوم

نام معرفت فلاحی برای کتاب عبدالعلی بیرجندی بر ساخته نیست و از نخستین عبارت مؤلف برگرفته شده است. توجه مرحمت‌آمیز آقای فرید قاسملو موجب سپاسگزاری است.

بند چهارم

مجموعه خطی دهه نخستین قرن نهم که چهل و سه غزل حافظ در آن کتابت شده است در تاجیکستان نگاه‌داری می‌شود. قطعش رقعی است و طبق تواریخی که در آن میان سالهای ۸۰۵ تا ۸۰۷ به تفاریق در متن و حاشیه به کتابت درآمده است. غزلیات حافظ در حاشیه است و آنها را نخست خانم گلثوم (کذا) گلیموا در دوشنبه به سال ۱۹۷۱ در قطع تقویمی بغلی به چاپ رسانید و اینک

۱. این اصطلاح در یزد در مورد قوادها گفته می‌شد.



